



داستان فداکاری مردی که جان همکارانش را نجات داد

آتش و قهرمان

خواست به کاکلیج ها باشد

دل‌م‌هوای باران کرده است

۲

۲



پرخش به برات پرخه

گام به گام با شما برای خرید یک دوچرخه درست و حسابی

بعضی‌ها هم به نوجوب خیره غولال یک رسیدن نخری می شاه مع الله به هر حال باید برای خرید دوچرخه مناسب درست به نظر سوزد.

۶۶

سه ماهه غذای وجود دارد که به نظرم تقلب در آن‌ها بیشتر از سایر مواد غذایی رخ می‌دهد: عسل، آلبومو و روغن زیتون

چقدر در فضای مجازی می‌گردید؟

زیاد اهل این فضاها نیستیم، چون به نظرم وقت تلف کردن است و انرژی‌ات را هدر می‌دهد. حتی از تلگرام هم تا مجبور نشوم استفاده نمی‌کنم.

سبک زندگی

اهل فیلم هستی؟ اگر فرصت کنم گاهی. چه فیلم‌هایی نگاه می‌کنی؟ اجتماعی. چند ساعت درس می‌خوانی؟ شش ساعت. چقدر می‌خوابی؟ هشت ساعت. چقدر برای فضای مجازی زمان می‌گذاری؟ شاید نیم ساعت. اهل کتاب هستی؟ اوقات فراغتم بیشتر کتاب می‌خوانم. چه کتاب‌هایی؟ بیشتر علمی. تفریح چیست؟ گاهی با دوستانم به کوه و دشت می‌رویم.



برای رسیدن به آرزیم‌های زنبور چه آزمایش‌هایی را انجام دادید؟ اولین کارمان این بود که کندوی عسل درست کردیم و آن را در کوه‌های اطراف محل زندگی قرار دادیم تا بتوانیم عسل طبیعی به دست بیاوریم. در واقع این عسل به عنوان معیار انتخاب شد. کنار آن هم عسل مصنوعی دیگری هم درست کردیم که بتوانیم معیار عسل مصنوعی را هم در دست داشته باشیم. این دو عسل به عنوان معیار انتخاب شدند و از روی آن سایر عسل‌ها سنجیده می‌شدند؛ البته برای یکسری از آزمایش‌ها نیاز به آزمایشگاه و وسایل مجهز داشتیم که آن‌هایی را که می‌توانستیم انجام دهیم در آزمایشگاه پژوهش‌سرا انجام می‌دادیم و بعضی‌ها را هم به آزمایشگاه جهاد کشاورزی شهرمان می‌بردیم و آن‌جا آزمایش می‌کردیم.

این پژوهش‌ها چقدر وقت‌تان را می‌گرفت؟ ما سه روز در هفته بعد از ظهرها به پژوهش‌سرا می‌رفتیم. سعی می‌کردیم وقت‌مان را مدیریت کنیم. از زمان تفریح‌مان کم می‌کردیم و به مطالعه و تحقیق‌مان اضافه می‌کردیم، اما بعد از آن که در جشنواره رتبه آوردیم به این نتیجه رسیدیم که واقعا هرچقدر تلاش کنیم به همان میزان موفق می‌شویم.

خانواده‌ات با این همه کار علمی مخالف نبودند؟ اوایل مخالفت‌ها بیشتر بود، مدام پدر و مادرم می‌گفتند وقت را صرف این کارها نکن و درست را بخوان، اما هرچه جلوتر می‌رفتیم و بیشتر تلاش و کوشش من را می‌دیدند از مخالفت‌هایشان کمتر می‌شد و تا جایی پیش رفت که مشوق من هم شدند.

امسال اوضاع چطور است؟ چون امسال مجبوریم سد بزرگی مثل کنکور را پشت سر بگذاریم همه فعالیت‌های غیردرسی تقریبا تعطیل است و سعی می‌کنیم روی درس‌مان متمرکز باشیم. پیش از این خوارزمی خیلی امتیاز داشت و بچه‌ها می‌توانستند در همان رشته‌ای که شرکت کرده بودند بدون کنکور ادامه تحصیل بدهند، اما این امتیازها را وزارت علوم لغو کرده و دیگر مثل گذشته نیست، اما محک خوبی است و می‌بینید با خودتان و بقیه چند چند هستید.

گفت‌وگو با برگزیده جشنواره خوارزمی

ماجرای یک کنجاوی ساده

ملیحه محمودخواه | شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که چشم‌تان به ماده غذایی‌ای بیفتد و فکری مثل خوره به جان‌تان بیفتد که بفهمید ماده غذایی‌ای که می‌خورید اصل است یا تقلبی. «عباس ابراهیمی» و «حسن صفوی» هم همین خوره‌ها به جان‌شان افتاد، اما از کنار آن به راحتی نگذشتند. آن‌ها وقتی چشم‌شان به عسل‌های خوش‌رنگ محله‌شان افتاد، دوست داشتند بدانند این عسلی که می‌خورند اصل است یا تقلبی؟ همین هم شد که دست‌به‌کار شدند و کلی تحقیق و تلاش کردند تا کنجاوی‌شان را برطرف کنند. می‌دانید نتیجه‌اش چه شد؟ این بود که توانستند رتبه دوم خوارزمی را به دست بیاورند. گفت‌وگوی ما با این دو مخترع جوان را در این شماره و شماره بعدی می‌خوانید: «عباس ابراهیمی» که هنگام جشنواره خوارزمی در مقطع پیش‌دانشگاهی درس می‌خواند، احتمالا الان درگیر ماجرای انتخاب رشته کنکور باشد. عباس که در منطقه صوفیان آذربایجان شرقی درس می‌خواند، می‌گوید محرومیت منطقه‌اش باعث نشده او از درس و مشق باز بماند.



پس وفور عسل در منطقه‌تان علت انتخاب این سوزده شد؟ تا حدودی، اما در واقع می‌توانیم بگوییم که عسل از بیشترین موادی است که خیلی در آن دستکاری می‌شود و من و دوستم به این فکر بودیم که چطور می‌توانیم راهی پیدا کنیم که عسل طبیعی را از عسل مصنوعی جدا کنیم.

آن وقت چه راهی پیدا کردید؟ به این نتیجه رسیدیم که از خود زنبور باید شروع کنیم، چون آرزوی ما زنبور به عسل وارد می‌کند کاملاً طبیعی است و نمی‌توان آن را دستکاری کرد و هیچ‌کس نمی‌تواند چنین ماده‌ای بسازد. به همین دلیل بنای تحقیق و آزمایش‌مان همان آرزیم‌های زنبور عسل شد.

کمی بیشتر از خودت می‌گویی؟ متولد سال ۱۳۷۸ و بچه اول خانواده هستم و یک برادر کوچک‌تر از خودم دارم. همه تلاشم این است که پدر و مادرم از من راضی باشند.

در مورد طرحی که روی آن کار کردی بیشتر توضیح می‌دهی؟ سه ماده غذایی وجود دارد که به نظرم تقلب در آن‌ها بیشتر از سایر مواد غذایی رخ می‌دهد: عسل، آلبومو و روغن زیتون. بررسی این موضوع برای ما خیلی جذاب بود و معلم راهنمایمان نیز روی این مسئله خیلی تأکید داشت. از طرفی در محلی که ما زندگی می‌کنیم یکی از محل‌های تولید عسل در آذربایجان شرقی است و به همین دلیل تشخیص اصل بودن یا نبودن عسل برایمان جذاب بود.

چقدر روی این پروژه زمان گذاشتید؟ ۹ ماه شبانه‌روز روی آن کار کردیم. آن موقع سال سوم بودیم و وقت‌مان هم نسبت به امسال بیشتر بود، به همین دلیل برایش خیلی انرژی گذاشتیم.

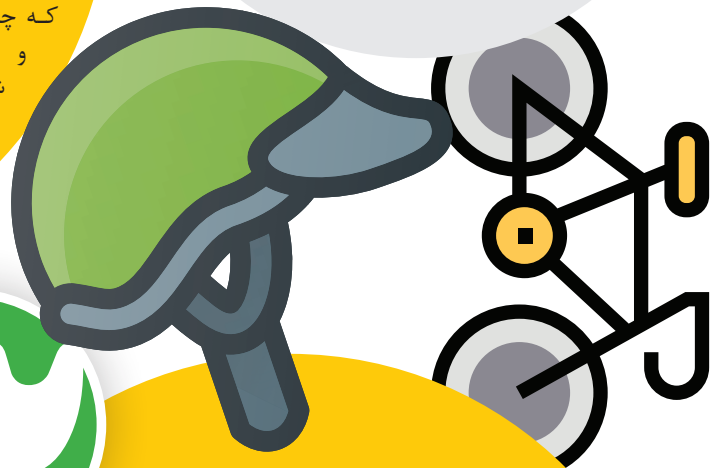
عسل از بهترین مواد است که خوره در آن دستکاری می‌شود و من و دوستم به این فکر بودیم که چطور می‌توانیم راهی پیدا کنیم که عسل طبیعی را از عسل مصنوعی جدا کنیم.



انواع و اقسام

خب بگذارید از همین ابتدای کار تکلیف‌مان را با شما مشخص کنیم. به طور کلی ۴ مدل دوچرخه در بازار وجود دارد که باید با توجه به نیازهایتان، یکی از آن مدل‌ها را برای استفاده، انتخاب کنید. اگر می‌خواهید دوچرخه کوهستان، هیبرید، جاده‌ای و کورسی یا Time Trial بخرید، بیخیال خواندن ادامه مطلب شوید، چون ما می‌خواهیم راهنمای خریدی برای دوچرخه شهری ارائه دهیم. دوچرخه‌های دیگر برای کارهای تخصصی‌تر استفاده می‌شود که راستش ما فعلاً نیازی به توضیح دادن در مورد آن‌ها ندیدیم.

دوچرخه‌های و تایرهای نازک ندارند. زاویه فرم این دوچرخه‌ها معمولاً باعث خواهد شد که راحت انجام شود، در مسیرهای طولانی، به نیاز نیست. خلاصه‌بگ‌ پدربزرگ‌ها نمونه دوچرخه شهری است که چرخ‌هایی بزرگ و به راحتی شما را در طولانی کند.



کیلویی چند؟

وزن در انتخاب انواع دوچرخه اهمیت زیادی دارد. در واقع هر چه دوچرخه وزن کمتری داشته باشد، به شما در برخورداری از شتاب و سرعت بیشتر کمک خواهد کرد، از طرف دیگر فراموش نکنید که شما می‌خواهید این دوچرخه را گاهی با دست جابه‌جا کنید؛ برای مثال برای عبور از بعضی از موانع باید چند دقیقه‌ای دوچرخه را روی دست خود حمل کنید. پس یادتان باشد که وزن دوچرخه، آیت مهمی در خرید یک دوچرخه مناسب است. فریم انواع دوچرخه بیشتر از موادی نظیر فولاد، آلومینیوم، کروم (کرومولی) یا کربن ساخته می‌شود. دوچرخه‌هایی که فریمی از جنس کربن یا کروم دارند، بیشتر برای استفاده در مسابقات حرفه‌ای به کار گرفته می‌شوند. این نوع دوچرخه‌ها نیز عمدتاً قیمت زیادی دارند؛ به همین دلیل بیشتر دوچرخه‌هایی که برای افراد نیمه‌حرفه‌ای یا آماتور و حتی در بعضی موارد افراد حرفه‌ای ساخته می‌شوند، فریمی آلومینیومی دارند. دوچرخه‌هایی با فریم آلومینیومی خود به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که هر کدام از انواع آن تفاوت‌هایی در میزان استحکام فریم در برابر ضربه و فشار دارند.

کلیده ود

ماجا



آقا اعتماد چیز ارزشمندی است برای آدمیزاد؛ یعنی اگر شما اعتمادتان را به دیگران از دست بدهید به هیچ حسابی آن اعتماد بر نمی‌گردد. می‌گویند در جنگلی که طبق معمول تحت مدیریت شیروی بود که سلطان بود و برای خودش بروبیایی داشت و چشم‌کشمی، شغالی هم زندگی می‌کرد که کالا تنوی خط خودش را و مبارزه با نفس بود (کلیده و دمنه است دیگر، گشته گشته بین حیوانات انگشت گذاشته روی شغال که کلاً این ادا و اصول‌ها بهش نمیداد؛ البته قشنگی کار هم در همین است که به ما بگوید روی ظاهر موجودات قضاوت نکنید).

شغال قصه ما همه عمرش را صرف علم کرده و بسیار دود چراغ خورده بود. او همه مدارج علمی را هم طی کرده و به کلیده فنون مجهز بود، اما این‌ها نقطه قوتش نبود بلکه مهم‌ترین شاخصه این شغال خوش‌نام این بود که خودش را چنان تربیت کرده بود که کلاً گوشت نخورد و به عبارت دیگر گیاه‌خوار بود. آوازه شخصیت والای انسانی شغال همه‌جا پیچیده بود و شیر که دنبال وزیر قابل اعتمادی می‌گشت، روزی او را فرا خواند و گفت:

- کلک تو چطور رژیم گرفتی؟ مگه می‌شه شغال گوشت نخوره؟

- بله جناب شیر، در این اوضاع اقتصادی که گوشت کیلویی چندک است و پیدا کردنش کار هر کسی نیست، بهترین کار همین است که ما گوشت‌خواران قید آن را بزنیم و به گیاه‌خواری روی بیاوریم که همه‌جا هست و نهایت دو کیلو از سبزی‌فروش محل می‌گیری و با پنیر می‌خوری و منت حاتم طایی هم نمی‌کنی.

شیر از شغال خیلی خوشش آمد و از او خواست که وزارتش را بپذیرد.

شغال گفت:

- ببین پادشاه عزیز و خون‌خوار! ما داریم زندگیمونو می‌کنیم. دنبال دنیا و مال دنیا و گوشت دنیا هم نیستیم. دوروبر تو عده‌ای جمع شدند که ببینند چه از تو به آن‌ها می‌ماسد. به ما نیامده که وارد این بازی‌های صحت‌با یه غاز حضرت‌تعالی بشیم. شیر گفت:

- غلطی می‌کنه هر کسی بخواد بیداد پیش من بدی تو رو بگه و زیرآب‌زنی کنه. خودم پوستشو می‌کنم و توش کاه می‌کنم و می‌زنم روی این دیوار.

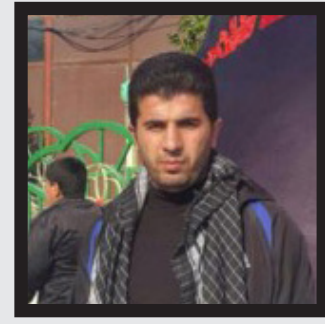


داستان فداکاری مردی که جان همکارانش را نجات داد

آتش و قهرمان

«شهرام محمدی»، نیروی فداکار پتروشیمی ماهشهر که جان ده‌ها تن را در آتش‌سوزی چندی پیش این پتروشیمی نجات داده بود بر اثر جراحات درگذشت. همیشه در حادثه‌ها یک نفر وجود دارد که زندگی برایش نقشه متفاوتی دارد و او باید در لحظه تصمیمی بگیرد که بسیار دشوار است. شهرام محمدی هم در روز حادثه آتش‌سوزی در یکی از واحدهای پتروشیمی منطقه مارون ماهشهر در استان خوزستان، درگیر چنین موقعیتی شده بود. موقعیتی که حسابی خطرناک بود، اما او را ترساند، برای همین با شجاعت خود را به آتش زد تا جان بقیه همکارانش را

نجات دهد. این کارگر شجاع بختیاری که اهل روستای کول فرح شهرستان ایذه استان خوزستان است، پس از رویه‌رو شدن با شعله‌های آتش، خود را به درون آتش انداخت و موفق شد با بستن شیر فلکه اصلی، آتش را مهار کند و مانع از گشته شدن صدها نفر از کارکنان این پتروشیمی شود. کسی نمی‌داند که شهرام محمدی در آن لحظه به چه چیزی فکر می‌کرده است؟ اما مطمئناً فقط به نجات جانانش فکر نمی‌کرده و گرنه سر از دل آتش در نمی‌آورده و زخمی و سوخته باز نمی‌گشته است.



آدم‌های فداکار از کجا آمده‌اند

شاید خیلی از ماها ندانیم که آدم‌های فداکار چطور می‌باشند و از کجا آمده‌اند؟ یا تصور کنیم که این جور آدم‌ها مال توی فیلم‌ها هستند یا ندانیم چطور می‌شود همکاران که تا دیروز فکر می‌کردیم مثل خودمان است، حتی کمی از دلخور بودیم و برای همین سرصیحی جواب سلامش را سنگین دادیم به خاطر نجات ما و سایر همکارانمان می‌پرد توی دل آتش؟ چون همه ما می‌ترسیم و ترس اصلاً چیز بدی نیست و همه ما آدم‌ها جان عزیز هستیم و جان عزیز بودن بخشی از غریزه ما برای بقاست و این یکی نه تنها بد نیست که لازم هم هست و همه ما آدم‌ها وقت خطر، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهیم، چون هم می‌ترسیم و هم به شکل غریزی آموخته‌ایم که خودمان را نجات بدهیم. برای همین گاهی درک نمی‌کنیم که چطور می‌شود یک نفر خلاف همه این غرایز و روحیات و ویژگی‌ها رفتار کند و در موقع خطر واکنشی نشان می‌دهد که با هیچ حساب و کتاب علمی نمی‌خواند و درست از کار در نمی‌آید. واکنشی که اسمش را گذاشته‌ایم فداکاری، بهش می‌گوییم شجاعت و با تحسین در مورد انسان‌هایی که می‌توانند گاه برخلاف غریزه‌شان یا بهتر است بگوییم بالاتر از غریزه‌شان رفتار کنند، حرف می‌زنیم.

تو هم می‌توانی قهرمان باشی

به اعتقاد کارشناسان، ایثار مدل‌های مختلفی دارد و ما می‌توانیم نمونه‌های متفاوتی از ایثار را در اطرافمان پیدا کنیم؛ مثلاً بعضی‌ها با فدا کردن جان‌شان یا بخشیدن ثروت‌شان ایثار می‌کنند، زمانی هم با هزینه کردن اعتبار و آبرو و البته بعضی وقت‌ها هم می‌توانند ترکیبی هم از این‌ها باشد که فرد به صورت ارادی و به خاطر یک هدف و آرمان مقدس و والا تصمیم بگیرد از علائق و داشته‌هایش بگذرد و دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌ها و منافع دیگران را بر منافع شخصی خودش ترجیح دهد و در راه برطرف کردن مشکلات دیگران گام بردارد. آن‌طور که کارشناسان می‌گویند یکی از ویژگی‌های افراد ایثارگر این است که فقط برای منافع خودش تلاش نمی‌کنند بلکه در راهی پیش می‌روند که منافع آدم‌های بیشتری یا حتی همه جامعه و گاه بزرگ‌تر همه مردم دنیا در آن باشد. نمونه‌اش هم معلم‌ها یا دانشمندان و مخترعان هستند که کارشان فقط به نفع خودش نیست و در واقع گاه فایده‌شان به آدم‌هایی در آینده‌های دور هم می‌رسد. با این نگاه دیگر لازم نیست نیروی خارق‌العاده یا اسلحه‌های خاص داشته باشیم تا به قهرمان یا سوپرمن تبدیل شویم، چون قهرمان‌های واقعی آدم‌هایی عادی هستند که کنارمان زندگی کرده و تفاوت‌شان با بقیه این است که به دیگران هم فکر می‌کنند.

انسان‌هایی که اسطوره شدند

«فداکاری» و «ایثار» کلماتی هستند که در فرهنگ ایرانی زیاد به کار برده شده‌اند. در سرزمین ما همیشه انسان‌هایی بوده‌اند که برای دفاع و حفظ میهن و هم‌میهنان جان خود را از دست داده‌اند. انسان‌هایی که با گذشت سال‌ها به اسطوره و قهرمان تبدیل شده‌اند و داستان شجاعت و فداکاری‌شان سینه‌به‌سینه نقل شده تا به ما رسیده است. خیلی از ما داستان این قهرمان‌ها را از مادربزرگ‌هایمان شنیده‌ایم یا در کتاب‌های داستان درباره‌شان خوانده‌ایم. این قهرمان‌ها فقط متعلق به گذشته نیستند؛ برای مثال ریزعلی خواجوی یا دهقان فداکار که در کتاب‌های درسی



خبرنگار قهرمان

همان‌طور که در گزارش خبری گفتیم قهرمان‌ها در روزگار ما زنان، مردان و حتی کودکان معمولی هستند که در موقعیت‌های خاص رفتارهای متفاوتی دارند؛ نمونه‌اش نوجوانی سوری اهل شهر المیدان در حومه شرقی دیرالزور که به اتهام نشر روزانه اخبار شهر در فیس‌بوک به دست داعش اعدام شد.



کرگدن‌ها، قربانی حراج اینترنتی

بعضی‌ها از اینترنت برای کمک به انسان‌ها استفاده می‌کنند و بعضی‌ها هم تنها با اینترنت برای خودشان و انسان‌های دیگر و حتی حیوانات شر درست می‌کنند. نمونه‌اش افرادی که با حراج اینترنتی شاخ کرگدن در آفریقای جنوبی باعث شده‌اند تا این حیوانات بی‌نوا قربانی شکارچیان طمع کار شوند.



روبات مذهبی زاپنی‌ها

زاپنی‌ها هم دیگر در استفاده از فناوری شورش را در آورده‌اند و توی ساخت روبات و روبات‌بازی کارشان به جایی رسیده است که برای اجرای مناسک مذهبی‌شان هم روبات درست کرده‌اند که به جای انسان در مراسم‌ها شرکت کرده و کارها را انجام می‌دهد.

شهری یعنی چی؟

شهری معمولاً فریمی فلزی و سبک از جنس آلومینیوم است و بدون آج دارند. این دوچرخه‌ها معمولاً دنده یا کمک فنر آن نسبت به زین و هم چنین فاصله رکاب تا زین در آن بیشتر از دوچرخه‌های کوهستان است. بدنه کنترل دسته فرمان به شکلی عین حال برای حرکت در رکاب زدن‌های مداوم بوییم، دوچرخه‌های فقیقی از یک ست. همان‌هایی گی داشت می توانست سیرهای جایه‌جا



گام به گام با شما برای خرید یک دوچرخه درست و حسابی

چرخش برات بچرخه

علیرضا گرانیپناه | خیابان‌های شلوغ شهر، هر آدمی را وسوسه می کند که قید ماشین و اتوبوس را زده و از دوچرخه برای حمل و نقل استفاده کند؛ البته بعضی‌ها هم به دوچرخه به عنوان یک وسیله تفریحی نگاه می کنند. به هر حال، هدف‌تان هر چه باشد، باید برای خرید دوچرخه مناسب دست به کار شوید. تنوع زیاد دوچرخه در بازار این علامت سؤال بزرگ را ایجاد کرده است که برای خرید یک دوچرخه باید دقیقاً چه کار کنیم؟ خوب پس این شما و این یک راهنمای درست و حسابی برای خرید دوچرخه.



آپشن اضافی

یادتان باشد که همیشه گول تجهیزات زیبا و پرزرق و برق را نخورید؛ مثلاً شما به یک فروشگاه می‌روید و فروشنده دو نوع دوچرخه شهری را به شما پیشنهاد می‌دهد: نوع اول دوچرخه ساده‌ای است که ظاهر معمولی دارد، اما نوع دوم شیک‌تر و امکاناتی مثل کمک فنر، دنده‌های پیچی و... دارد. شاید در نگاه اول این امکانات و تجهیزات حسابی چشم‌تان را بگیرد، اما این جاست که باید بدانید داشتن امکانات به‌تنهایی کافی نیست. دوچرخه شهری باید تا جای ممکن ساده و بی‌دغدغه باشد، علتش هم عدم نیاز به این آپشن‌های اضافی است، چیزهایی که تأثیر زیادی روی قیمت دوچرخه هم دارد. شما در مسیرهای شهری به راحتی می‌توانید با یک دوچرخه ساده، ولی استاندارد جابه‌جا شوید.

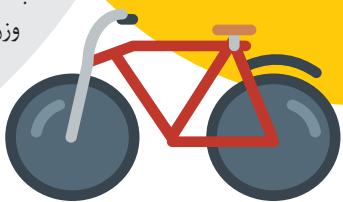
سایزبندی‌ها

اصلاً فکر نکنید که سایز مناسب، تنها در جلوه بصری دوچرخه‌سواری شما تأثیر دارد. بسیاری از کم‌دردها یا مشکلاتی که برای زانوی افراد به‌وجود می‌آید به دلیل اشتباه در انتخاب سایز مناسب دوچرخه است. برای انتخاب سایز مناسب می‌توانید از جدول زیر کمک بگیرید، ولی به‌طور کلی باید، دسته دوچرخه برای بزرگسالان تا حدود ۱۸ سانتی‌متر باشد. جدای از سایز، در انتخاب زین دوچرخه هم دقت کنید، برای مثال افراد سنگین‌وزن لازم است از نشیمن‌گاه‌های نرم (ژله‌ای) استفاده کنند تا کمترین فشار به ستون فقرات وارد بیاید.



وسایل ایمنی

حواست‌تان باشد که به هیچ عنوان خرید وسایل ایمنی را شوخی نگیرید. موتور، دوچرخه و وسایل نقلیه از این قبیل کمترین ایمنی را برای سرنشینان خود دارند. اگر می‌خواهید از دوچرخه به عنوان وسیله جابه‌جایی در شهر استفاده کنید، حتماً نیاز به چراغ‌های هشداردهنده و حتی استفاده از آیینی‌های کوچک کنار دسته برای دیدن پشت‌سر دارید. به این دو وسیله بوق را هم اضافه کنید. کلاه محافظ سر و محافظ‌های دست و پا هم که خودتان می‌دانید به چه میزان اهمیت دارند، مگه نه؟ هم چنین با شروع فصل برف و باران یکی از ضروری‌ترین موارد برای دوچرخه شما گلگیر چرخ است. در غیر این صورت باید آمادگی حضور لکه‌های گل‌ولای را روی لباس خود داشته باشید. دوباره یادآوری کنیم که اگر قصد دوچرخه‌سواری در شب را دارید داشتن چراغ جلو و یک چراغ هشدار عقب می‌تواند تا حدود زیادی شما را از خطرات وسایل نقلیه دیگر در امان نگه دارد.



قیمت‌ها

قیمت دوچرخه چندساله می‌شود که حسابی سرسام آور شده است، ولی باز هم در این بازار می‌توانید برای خرید دوچرخه شهری دست به کار شوید و هزینه زیادی انجام ندهید. سایز ۲۶ دوچرخه مدل City Storm را می‌توانید با حدود ۴۰۰ هزار تومان خریداری کنید. اگر دوست دارید کمک فنر دوچرخه و دنده ۱۸ تایی آن را به رخ بکشید هم می‌توانید با ۵۵۰ هزار تومان یک دوچرخه شهری مدل Lizard RS35 خریداری کنید. قیمت‌های دوچرخه با توجه به کیفیت ساخت، جنس و آپشن‌هایش تا چند میلیون بالا می‌رود؛ البته برای استفاده شهری، اصلاً ضروری نیست. اگر می‌خواهید برای دوچرخه‌تان بیشتر از این حرف‌ها هزینه کنید تا بتوانید استفاده بیشتری در حد یک دوچرخه کوهستان از آن داشته باشید، بهتر است سراغ دوچرخه کراس مدل City Jet M EF5 بروید. این دوچرخه علاوه بر کیفیت ساخت بالا، از جنس بدنه آلومینیومی برخوردار بوده که باعث کاهش وزن آن می‌شود. از طرفی سیستم ۲۱ دنده‌ای این دوچرخه می‌تواند در هر نوع مسیری شما را راحت به مقصد برساند. برای این مدل باید چیزی حدود ۸۵۰ هزار تومان دست‌به‌جیب شوید.

| رده سنی | محدوده قد شخص (سانتی متر) | محدوده سنی شخص | سایز دوچرخه |
|---------|---------------------------|----------------|-------------|
| خردسال | ۹۰ تا ۱۲۰ CM | ۲ تا ۶ سال | ۱۲ |
| کودک | ۱۲۰ تا ۱۳۰ CM | ۴ تا ۸ سال | ۱۶ |
| نوجوان | ۱۳۰ تا ۱۵۰ CM | ۷ تا ۱۱ سال | ۲۰ |
| جوان | ۱۴۰ تا ۱۶۵ CM | ۱۰ تا ۱۴ سال | ۲۴ |
| بزرگسال | ۱۶۵ CM به بالا | ۱۴ سال به بالا | ۲۶ |

دمنه به زبان خودمانی ۱۶

برای شغال گیاه خوار و استیک‌دزده

قاسم رفیعا



شغال نگاهی به دیوار کرد و دید یک عالمه پوست پر از کاه چسبیده به دیوار. بنابراین از روی ناچاری و علی‌رغم میل باطنی‌اش قبول کرد که در خدمت شیر باشد. مدتی که خدمت کرد و مدیریت منابع را در حد والایی سرورسامان داد و جلوی اختلاس‌گران، حقوق‌های نجومی و... را گرفت خوب به بعضی از جماعت دوروبری برخورد که از بخوربخور افتاده بودند و مانع همه این اتفاقات را شغال می‌دانستند و با همه وجود می‌خواستند سرش به تنش نباشد، بنابراین نقشه‌ای کشیدند و با هم دست به یکی شدند و از آن جایی که می‌دانستند شیر روی استیک گوشتش خیلی حساس است، استیک او را با ننگی آتش‌زخانه معظم دزدیدند و بردند گذاشتند توی یخچال شغال و ت سبزی‌های فریز شده پنهان کردند. ر که دید ناهارش دیر شده سرورصدايش بلند شد که این استیک من است؟

ریختند دورش و هر کدام چیزی گفتند: - ببخشید قربان من می‌دونم شما شغال را خیلی دوست دارید، ولی من شنیدم استیک شما رو شغال برده خونه. - حالا از کجا می‌شه مطمئن بود؟ - کاری نداره. بریم خونه‌اش رو تفتیش کنیم و برگردیم که مطمئن بشیم. - من تا امروز به شما نگفتم که همیشه به این شغال شک داشتم، ولی حقیقتش به خاطر اعتماد شما صداتشو در نمی‌آورد. - من مدت‌هاست که می‌دونم این نابکار دیگه اون شغال قبلی نیست و به من خبر دادند در خفا گوشت می‌خوره. - آگه واقعا این که جناب حاکم می‌فرماید درست باشه و استیک را دزدیده باشه کارش واقعا بد بود که از اعتماد حاکم یک مملکت سوءاستفاده کرده نامرد!

- عجب موجود نامرد و نابکار به این شغال گیاه‌خوار نما!
- من می‌گم زود بریم خونه‌اش رو تفتیش کنیم که دوروبر ما پر از جاسوسه و همه دوروبری‌های حاکم برای همین شغال کار می‌کنند (در حالی که هیچ‌کس دوروبر شغال نبود و همه در اصل دشمنش بودند)
- چه فایده که آگه پیدا هم بشه این نابکار با کلک و دورویی ذهن شیر اعظم رو نسبت به ما بد می‌کنه و باز ما بدهکار می‌شیم. خلاصه این قدر گفتند که شیر عصبانی شد و شغال را فرا خواند و با فریاد به او گفت: - استیک منو چه کار کردی؟
شغال که از رفتار شیر تعجب کرده بود، گفت: - طبق روال هر روز دادم به آشپزباشی؟
آشپز هم که توی گروه کودتاچیان بود، گفت: - نه قربان امروز جناب شغال هیچ گوشتی به آشپزخانه نیاورد.
شیر دو نفر مأمور رو فرستاد خونه شغال و آن‌ها با استیک برگشتند و گفتند: - جناب شیر، او استیک را در یخچال پنهان کرده بود.



گرگ که مثلاً تا این لحظه از شغال دفاع می‌کرد و اصلاً طرح نقشه کودتا نبود جلو آمد و گفت: - شما که می‌دانید من دوست شغال، اما با این گندی که شغال زد اگر تنبیه درست و حسابی نشود دزدی در دم‌دستگاه حضر تعالی به امری طبیعی تبدیل می‌شود و به قول امروزی‌ها نهادینه می‌شود. خلاصه شغال به زندان افتاد، شیر پیغام داد که: - اشتباهی مرتکب شده‌ای، عذرخواهی کن تا تو را ببخشم.

شغال هر چه گفت و نگفت اون‌ها اومدن به شیر دروغ گفتند: - شغال گفته برو کشتو بساب!

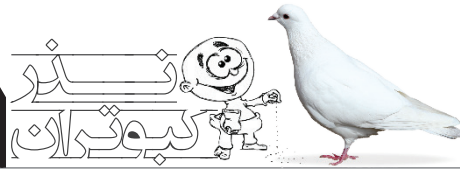
شیر عصبانی شد و در کشتن شغال شک به خود راه نداد. قرار بود فردا شغال را بکشند که خبر به مادر شیر رسید. مادر شیر به ملاقات شیر رفت و گفت:

- پسرم عجله نکن. یک درصد احتمال بده عده‌ای حسودی کرده و برای تو و وزیرت نقشه کشیده باشند. کسی که به شغال نگفته بود گوشت نخور و اگر او گوشت می‌خواست تو از او دریغ نمی‌کردی. ممکن است خود این‌ها گوشت را در خانه شغال گذاشته باشند. خلاصه شیر شغال را فراخواند و شغال راهکاری پیشنهاد داد و گفت این‌ها را یکی یکی دعوت کن و مورد بازجویی قرار بده و در مورد بقیه دوستان شان چیزهایی به آن‌ها بگو. به آن‌ها قبول بده که اگر راستش را بگویند عفو می‌شوند و...

خلاصه شیر این کار را کرد و همه دوروبری‌هایش تیزرو از آب درآمدند و شیر بیش از گذشته نسبت به شغال ارادت پیدا کرد، اما شغال عاجزانه از شیر خواست که اجازه بدهد از قدرت کنار برود، چون در این‌جا عدالت بیهوده است و از همه مهم‌تر شیری که یکبار به تو بی‌اعتماد شده ممکن است دوباره هم به تو بی‌اعتماد شود و زیرآب بخورد و بیچاره شوی. شغال به شیر گفت:

- با مرا بکش و پوستم را مثل این دوستان که احتمالاً دانا بوده‌اند پر از کاه کن یا بگذر بروم دنبال کارم که از قدیم گفته‌اند: «زموده را دوباره آزمودن خطاست».





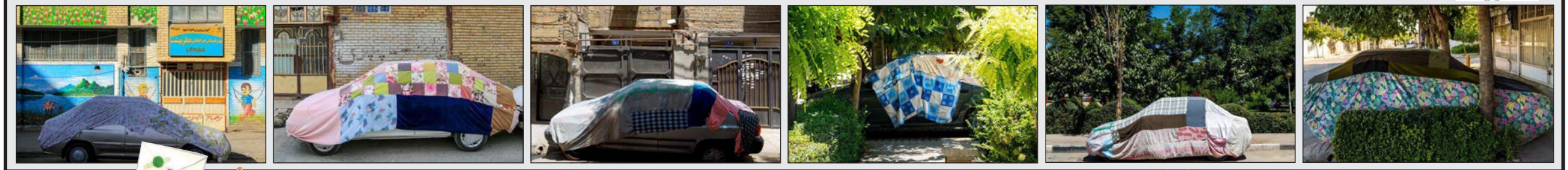
ای «بضعه» خاتم رسالت
ای اصل اصیل و باصالت
آرام تلاطم جهانی

هم کعبه مردم جهانی
از هفت جهان شنیدم اما
تو رتبه هشتم جهانی

مجدد لشکری

هشتاد و هشتاد

هیس! ماشین‌ها خواب هستند (۲)
وقتی ماشین‌ها با چادر شب‌های رنگی خواب‌های خوش می‌بینند.



فاطمه جان، دوست خوبم سلام

دادها دشتاپه‌ها

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرندهای شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



پرنه نیلوی

حواست به کاکلی‌ها بانند

صبح‌ها را از دست نده. لحظه‌هایی که خورشید از پس و پشت ابرهای پنبه‌ای سر می‌زند. خورشید که بالا می‌آید انگار خون تازه توی رگ‌هایمان می‌ریزند. سرشاریم از نور، سرشاریم از شروع. جوانه‌هایی که دیروز در فکر پرتوی خورشید بودند صبح پنجه به خاک کشیدند و امروز با خورشید هستند. چقدر این امیدوارکننده است که هر روز شاهد طراوت و تازگی هستیم.
زمین بهترین گواه برای تازگی و طراوت است. تو هم می‌توانی خوب‌تر بینی، از همین امروز هر چیز تازه‌ای که می‌بینی بنویس؛ از پسر شادمان بهار، از دختر چادر سپید زمستان، از پسر هزار رنگ پاییز، از دختر دامن چین‌دار تابستان در گندم‌زاران.
نوشتن تو نگاهت را عوض می‌کند. دنیایت را عوض می‌کند. جوانه‌ها را فراموش نمی‌کنی، پروانه‌هایی که خاطره‌شان به دفترت چسبیده است از یاد نمی‌بری. فراموش نمی‌کنی قاصدکی را که موقع نوشتن روی شانه‌ات نشسته بود.
سکوت کن و آرام زیر سایه درختی بنشین و بنویس تا ریشه‌های آن درخت را تا ریشه‌های آدم‌ها را دریایی تا شاخه‌ها و برگ‌ها و جوانه‌ها را سیراب کنی.
تو می‌نویسی و کاکلی کوچکی از پشت سرت آرام آرام به تو نزدیک می‌شود دست‌هایت را که از قلم جدا کنی و به سمتش ببری به سمت می‌آید و به دست‌هایت نوک می‌زند تا کلمات را از لای انگشتانت و بند به بند رگ‌هایت بچیند و به آسمان ببرد. این کاکلی‌ها ما را به آسمان وصل می‌کنند با یک نخ نامرئی. حواست به کاکلی‌ها باشد که دل‌شان را نلرزانی. حواست باشد که توی مشتت به اندازه کافی برایشان دانه و کلمه داشته باشی. کاکلی‌ها پیام‌آوران صلح و کلمات هستند. باران واژه‌ها را در رگ‌های زمین جاری می‌کنند و تو می‌نویسی از عطر تراشه چوب، از بنفشه سپیده‌دم، از جوانه بامدادی که جهل گیس نور را می‌بافد به موهای دخترکان پری‌چهره.
کاکلی‌ها راوی باغ‌ترین واژه‌ها هستند.
بنویس و به کاکلی‌ها سلام بگو.



دلم هوای باران کرده است

سلام، من «فاطمه» هستم. ممنونم که جواب نامه‌های مرا می‌دهید. من در کتابخانه کانون پرورش فکری جفتای عضو شده‌ام. این‌جا به من گفتند که شعره‌ایم را برای شما بفرستم تا راهنمایی‌ام کنید. ولی نمی‌دانم نوشته‌هایم را با پست بفرستم یا ای‌میل کنم؟ این دفعه پست می‌کنم، ولی اگر نشانی پست الکترونیکی هم دارید ممنون می‌شوم برایم بفرستید. دوستان من هم شعر و داستان می‌گویند. آیا می‌توانم نشانی شما را به آن‌ها بدهم؟
این هم یکی از نوشته‌هایم:
دلم هوای باران کرده است
تا بیارد و غم را بشوید
اما چه غافلم
باران تویی
«به خاک من بیار»

صداهارا کشف کن...!

«می‌توانی ستاره دنباله‌داری باشی تا کودکی برایت دست تکان دهد می‌توانی پرندهای باشی لابه‌لای شاخه‌های درخت گلابی می‌توانی کلمه باشی و در دهانم بچرخ»
شاعر: نرگس برهمند

خاتمه رفت پیش دکتر گفت،
آقای دکتر شوهرم توی خواب حرف می‌زنه، چی کار کنم؟
دکتر گفت: بهش فرصت بده وقتی بیداره حرف بزنه.
خوشمزه خان
کسی که از وجود مورچه در خونه‌اش به تنگ اومده؟ برای رهایی از دست مورچه‌ها به این دستورالعمل توجه کنید:
مواد لازم:
۱) شکر
۲) فلفل
۳) سرامیک
روش استفاده:
مواد را باهم مخلوط می‌کنیم و در گوشه گوشه خونه می‌گذاریم. مورچه میاد شکر برداره، بعدش فلفل رو بو می‌کشه و عطسه می‌کنه و سرش به سرامیک می‌خوره و می‌میره.
خوشمزه خان

رقم نونوایی سنگگی
گفتم: آقا به نون بده...
شاطره گفت: کدومو بدم؟
سنگک ساده ۶۰۰ تومن،
سنگک کنججی ۸۰۰ تومن،
سنگک دورو کنججی ۱۰۰۰ تومن،
سنگک پرکنجد ۱۵۰۰ تومن،
سنگک برشته پرکنجد ۱۸۰۰ تومن،
گیج شدم،
گفتم: می‌رم خونه فکرامو می‌کنم بعد میام می‌خرم.
خوشمزه خان
روباهی از شتری پرسید: عمق این رودخانه چه اندازه است؟
شتر جواب داد: تا زانو.
ولی وقتی روباه توی رودخانه پرید، آب از سرش هم گذشت! و همین‌طور که دست و پا می‌زد به شتر گفت: تو که گفتی تا زانو!
شتر جواب داد: بله، تا زانوی من، نه زانوی تو.
استاد بزرگ

